



The Impact of Teaching the Content of Nahj al-Balagha's Thematic Interpretation Course on the Moral Intelligence of Female Students at Rafsanjan University of Vali Asr

Marzieh Kahnooji¹ Hossein Kamiab²

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.65.1.2

Vol. 32
winter 2024
P.P: 11-29

Research Paper

Received: 16 January 2024
Revised: 28 April 2024
Accepted: 25 February 2025
Published: 19 February 2025

ISSN: 2251-6972
E- ISSN: 2645-5196



Abstract

Objective of This research aimed to examine the impact of Nahj al-Balagha on the moral intelligence of female students at Vali-Asr University (AS) in Rafsanjan. Method: This quasi-experimental study used a one-group pretest-posttest design to achieve the research objectives. The statistical population consisted of undergraduate female students enrolled at Vali-Asr University (AS) during the first semester of 2022-2023. The sampling method was purposeful and convenient, and the moral intelligence scale was used. Following 16 training sessions, participants re-completed the questionnaire. Data analysis included both descriptive and inferential statistics. Results: The analysis of the pre-test and post-test results revealed no significant difference in the mean scores of the moral intelligence subscales before and after the training. Conclusion: The study results suggest that the content chosen for teaching the thematic interpretation course of Nahj al-Balagha did not have a significant impact on enhancing moral intelligence or bringing about meaningful changes in its subscales. This highlights the importance of appropriate content and effective training in shaping individuals' attitudes and perspectives. Consequently, it is recommended to revise the content, modify the teaching method, and conduct further research in different universities to explore alternative approaches.

Keywords: Moral intelligence, thematic interpretation of Nahj al-Balagha, students.

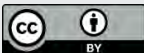
1. Corresponding Author: Associate professor of Islamic and general teachings , . Faculty of Literature and Humanities, University of Vali-e- Asr, Rafsanjan ,Iran. Email: M.kahnooji@vru.ac.ir.

2. Assistant professor of Islamic and general teachings. Faculty of Literature and Humanities, University of Vali-e- Asr, Rafsanjan ,Iran.

Cite this Paper: Kahnooji, M & Kamiab, H .(2024). The Impact of Teaching the Content of Nahj al-Balagha's Thematic Interpretation Course on the Moral Intelligence of Female Students at Rafsanjan University of Vali Asr, 32(65), 11-29.

Publisher: Imam Hussein University

©Authors



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



دراسة في أثر تدريس محتوى مقرر «التفسير الموضوعي لنهج البلاغة» على الذكاء الأخلاقي لدى طالبات

جامعة ولي العصر (عج) في رفسنجان

مرضيه كهنوحي^١ | حسين كامياب^٢

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.65.1.2

رقم
٦٥المجلد ٣٢
شتاء ١٤٤٦

ورقة البحث

تاريخ الاستلام: ١٤٤٥ / ٧ / ٤
تاريخ المراجعة: ١٤٤٥ / ١٠ / ١٩
تاريخ القبول: ١٤٤٦ / ٨ / ٢٦
تاريخ النشر: ١٤٤٦ / ٨ / ٢٠ISSN: 2251-6972
E- ISSN: 2645-5196

الملخص

يهدف هذا البحث إلى دراسة أثر تدريس محتوى مقرر «التفسير الموضوعي لنهج البلاغة» على الذكاء الأخلاقي لدى طالبات جامعة ولي العصر (ع) في رفسنجان. الدراسة مرتكزة على المنهج شبه التجريبي وتم إجراء الاختبارين القبلي والبعدي على مجموعة واحدة لتحقيق الأهداف المتوخاة من مشروع البحث. المجتمع الإحصائي يشمل طالبات جامعة ولي العصر (عج) في رفسنجان في الفصل الأول من السنة الدراسية ١٤٠٢-١٤٠١. وكانت طريقة أخذ العينات هادفة ومتاحة؛ حيث أجاب الطلاب الذين حضروا صف المقرر الدراسي «التفسير الموضوعي لنهج البلاغة» على أسئلة استبيان الذكاء الأخلاقي. بعد ست عشرة جلسة تدريبيه؛ أجابوا مرة أخرى على الاستبيان. وقد تم تحليل البيانات على المستوى الوصفي والاستدلالي. أمّا النتائج فهي: لم يكن هناك اختلاف كبير قبل التدريب وبعده بين نتائج التجريب القبلي والبعدي من حيث متوسط درجات المقياس الجزئي للذكاء الأخلاقي وأخيراً مؤشر الذكاء الأخلاقي. فضلاً عن ذلك، يُعدّ المحتوى المناسب والتدريب الصحيح من العوامل الهامة المؤثرة على مواقف الناس ووجهات نظرهم. المبادئ الأخلاقية مكتسبة والناس يتعلمون طريقة التعامل الصحيح. أظهرت نتائج البحث أيضاً أن المادة المختارة لتدريس مقرر «التفسير الموضوعي لنهج البلاغة» لم تكن من العوامل المؤثرة في تعزيز الذكاء الأخلاقي ولم تتمكن من إحداث تغيير ملموس في المقاييس الجزئية؛ لذلك، يُوصى بمراجعة المحتوى وتغيير النمط التدريسي وإجراء البحوث في جامعات أخرى.

الكلمات الرئيسية: الذكاء الأخلاقي، التفسير الموضوعي لنهج البلاغة، الطلاب.

١.الكاتب المسؤول: الأستاذة المشاركة، قسم المعارف الإسلامية والعامّة، كلية الآداب و العلوم الانسانية، جامعة ولي العصر (عج) في رفسنجان، إيران.

Email: m.kahnooji@vru.ac.ir

٢. الأستاذ المساعد، قسم المعارف الإسلامية والعامّة، كلية الآداب و العلوم الانسانية، جامعة ولي العصر (عج) في رفسنجان، إيران.

الاقباس: كهنوحي، مرضيه وكامياب، حسين (١٤٠٣)، دراسة في أثر تدريس محتوى مقرر «التفسير الموضوعي لنهج البلاغة» على الذكاء الأخلاقي لدى طالبات جامعة ولي

العصر (عج) في رفسنجان، ٣٢(٦٥)، ٢٩-١١ DOR: https://dor.net/dor/. 20.1001.1.22516972.1403.32.65.1.2



الناشر: جامعة الامام الحسين (ع) المؤلفون هذه المقالة متاحة لك بموجب رخصة المشاع الإبداعي (CC BY).



شماره
۶۵
سال سی دوم
زمستان ۱۴۰۳
صص: ۲۹ - ۱۱

تاریخ دریافت: ۲۶ دی ۱۴۰۲
تاریخ بازنگری: ۰۹ اردیبهشت ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۰۷ اسفند ۱۴۰۳
تاریخ انتشار: ۰۱ اسفند ۱۴۰۳

شاپا چاپی: ۶۹۷۲-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



نشریه علمی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی

بررسی تأثیر آموزش محتوای درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه بر هوش اخلاقی دانشجویان دختر

دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

مرضیه کهنوجی^۱ | حسین کامیاب^۲

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.65.1.2

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر آموزش محتوای درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه بر هوش اخلاقی دانشجویان دختر دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان بود. روش تحقیق شبه آزمایشی بود که جهت دسترسی به اهداف، از طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با یک گروه استفاده شد. جامعه آماری، شامل دانشجویان دختر مقطع کارشناسی دانشگاه ولی عصر (عج) در نیمسال اول ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بودند. شیوه نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس بوده است. دانشجویانی که در کلاس درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه شرکت داشتند به پرسشنامه هوش اخلاقی پاسخ دادند. بعد از ۱۶ جلسه آموزش؛ مجدداً به پرسشنامه پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح توصیفی و استنباطی انجام گرفت. یافته‌ها: بین نتایج پیش‌آزمون و پس‌آزمون به لحاظ میانگین نمرات خرده مقیاس هوش اخلاقی و در نهایت شاخص هوش اخلاقی؛ قبل و بعد از آموزش تفاوت معناداری وجود نداشت. نتیجه‌گیری: محتوای مناسب و آموزش صحیح از عوامل مهم تأثیر گذار بر تغییر نگرش‌ها و دیدگاه‌های افراد می‌باشد. اصول اخلاقی اکتسابی هستند و افراد یاد می‌گیرند که چگونه خوب باشند. نتایج تحقیق نشان داد که محتوای انتخاب شده برای تدریس درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه، از عوامل مؤثر بر تقویت هوش اخلاقی نبود و نتوانست تغییر معناداری را در خرده مقیاس‌های آن ایجاد نماید. لذا توصیه می‌شود نسبت به بازبینی محتوا، تغییر شیوه آموزش و انجام پژوهش در سایر دانشگاه‌ها اقدام شود.

کلیدواژه‌ها: هوش اخلاقی، تفسیر موضوعی نهج البلاغه، دانشجویان

۱. نویسنده مسئول: دانشیار گروه معارف اسلامی و عمومی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ولی عصر (عج)، رفسنجان، ایران.

Email: M.kahnooji@vru.ac.ir

۲. استادیار گروه معارف اسلامی و عمومی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ولی عصر (عج)، رفسنجان، ایران.

استاد: کهنوجی، مرضیه و کامیاب، حسین (۱۴۰۳). بررسی تأثیر آموزش محتوای درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه بر هوش اخلاقی دانشجویان دختر

دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۲(۶۵)، ۲۹-۱۱. DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.65.1.2.11

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) نویسندگان



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

آدمی از دیرباز به دنبال شناخت جنبه‌های ناشناخته وجود خود بوده است به طوری که در این راستا جنبه‌های متعدد و متنوعی اعم از زیستی، روانی، اجتماعی، معنوی و اخلاقی را در وجود خود مورد تفحص قرار داده است. در این میان یکی از مسائلی که در قلمرو روانشناختی توجه متفکران و اندیشمندان را به خود معطوف نموده ماهیت هوش آدمی است (حسین چاری و ذاکری، ۱۳۸۹:۷۷). هوش به معنای این است که فرد بتواند در برابر محرکی واکنش صحیح نشان دهد (نارواژ، ۲۰۱۰:۱۰) و به عبارت دیگر به عنوان توانایی تفکر، یادگیری و ظرفیت سازگاری با موقعیت جدید می‌باشد و دارای ابعاد مختلف عقلی، هیجانی، معنوی و اخلاقی می‌باشد.

بحث اخلاق جایگاه ممتازی در علوم انسانی داشته است و این بدان جهت است که اخلاق اهمیت زیادی در زندگی فردی، اجتماعی و معنوی دارد. در زمینه ارتباط هوش و اخلاق نیز اگر هوش را ظرفیت سازگاری با موقعیت جدید قلمداد کنیم، اخلاق ظرفیت سازماندهی به آن موقعیت خواهد بود (علی اکبری دهکردی، ۱۳۹۴:۳۴). محور اخلاق، شناخت و داوری در مورد امور اخلاقی است، گرایش به امور و رفتارهای اخلاقی امری فطری است که تقویت و تکمیل آن نیازمند تربیت است (مجدالدین و همکاران، ۱۴۰۲:۱۸۳). هوش اخلاقی خط سیر اخلاقی فرد را در زندگی و دنیای کار تعیین و از بروز اعمال خلاف قانون جلوگیری می‌کند و باعث رعایت اخلاق در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود (بائو و همکاران، ۲۰۱۵:۳۸). یکی از وظایف مورد انتظار از مراکز دانشگاهی ترویج ارزشهای اخلاقی بین دانشجویان است تا زمینه شکوفایی توانمندی‌های آنها فراهم گردد و بستر لازم جهت رشد همه جانبه‌ی شخصیتی، عاطفی، رفتاری و فکری آنها حاصل گردد؛ لذا لازم است شرایطی مهیا شود تا هر چه بیشتر مصادیق اخلاقی از جمله؛ مسئولیت‌پذیری، درستکاری، بخشش و دلسوزی به جامعه هدف (دانشجویان) منتقل شود. در آموزه‌های دینی، نکته‌های اخلاقی بسیار مهمی مطرح شده است که پرداختن به آنها و انجام پژوهش در این زمینه می‌تواند نتایج مهم و راهکارهای مفیدی در جهت هدایت رفتارهای اخلاقی ارائه دهد. از آنجایی که افراد قادر به یادگیری و تغییر اخلاقیات هستند، ارزیابی محتوایی که می‌تواند به تقویت مقوله هوش اخلاقی کمک کند لازم است و می‌تواند مانند یک راهنما در جهت

ایجاد رفتارهای اخلاقی در انسان عمل کند و او را یاری رساند که اعمال مفید و هوشمندانه ای بروز دهد. لذا گنجاندن محتوای مناسب در سرفصل واحدهای درسی دانشجویان ضروری می‌باشد. در این راستا؛ جهت بررسی تأثیرگذاری محتوای درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه بر هوش اخلاقی دانشجویان، این تحقیق انجام شده است. فرضیه اصلی این پژوهش بدین شرح است:

بین میانگین نمرات شاخص هوش اخلاقی دانشجویان، قبل و بعد از آموزش تفاوت معناداری وجود دارد .

مبانی نظری

تقویت هوش اخلاقی می‌تواند چارچوبی را برای عملکرد صحیح انسان‌ها فراهم آورده و به عنوان یک عامل پیش‌بینی‌کننده رفتار محسوب شود. هوش اخلاقی هوش حیاتی برای همه انسان‌ها است، به این دلیل که هوش اخلاقی، اشکال دیگر هوش را به انجام کارهای ارزشمند هدایت می‌کند (باتستون، ۲۰۰۳: ۲۰) و شامل ترکیبی از دانش، تمایل و اراده است (فلیت و هارمان، ۲۰۱۳: ۲) و باعث شکل‌گیری کارهای تیمی قوی و افزایش بهره‌وری (زدنک و اسکوچور، ۲۰۰۷: ۵۱۴)، پیوند کارها با اصول اخلاقی بالا و به تبع آن افزایش تعهد و مسئولیت‌پذیری در افراد و در نتیجه بهبود کارآیی فردی و گروهی (فلیت و هارمان، ۲۰۱۳: ۶) می‌گردد. هوش اخلاقی دارای ابعاد؛ مسئولیت‌پذیری، درستکاری، بخشش و دلسوزی می‌باشد. با توجه به اهمیت هوش اخلاقی در زندگی افراد، بایستی تدابیری به کار برد تا بتوان عوامل دخیل در افزایش هوش اخلاقی را شناسایی و اجرایی نمود. در پژوهش حاضر به بررسی تأثیر آموزش محتوای درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه بر متغیرهای هوش اخلاقی (مسئولیت‌پذیری، درستکاری، بخشش و دلسوزی) پرداخته شده است. متغیر مستقل این تحقیق محتوای درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه می‌باشد که طی ۱۶ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای به گروه هدف، آموزش داده شد (جدول شماره ۱) و متغیر وابسته ابعاد هوش اخلاقی و در نهایت مؤلفه هوش اخلاقی می‌باشد.

هوش اخلاقی

هوش اخلاقی مانند یک راهنما برای رفتار انسان عمل می‌کند و او را یاری می‌کند که اعمال هوشمندانه و مفیدی داشته باشد (لیو و همکاران، ۲۰۰۴: ۴۴۰) و همچنین مانع انجام اعمال مجرمانه (ویمالاسیری، ۲۰۰۱) و افزایش خودکارآمدی (علوی و احمدی شهوه، ۱۴۰۱: ۳۵) می‌گردد و با مهارت‌های ارتباطی دانشجویان (عرشی‌ها و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۴) و نوع دوستی دانشجویان (خالقی و چناری، ۱۳۹۴: ۵۵) ارتباط دارد. افرادی که از هوش اخلاقی بالاتری برخوردارند گرمی و صمیمیت بیشتری نسبت به دیگران نشان می‌دهند، با دوستانشان مهربان هستند و به نیازهای آنها حساس‌ترند (جینی و همکاران، ۲۰۱۴: ۵۷). مؤلفه‌های هوش اخلاقی از منظر امام علی (ع) شامل دانش و تفکر، قدرشناسی، خودسازی، خودکنترلی، وجدان، روابط بین فردی، خیر عمومی، انصاف و عدالت، مهربانی، احترام، همدلی، بردباری، مسئولیت‌پذیری و گشاده رویی می‌باشند (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱). مؤلفه‌های هوش اخلاقی به انسان کمک می‌کنند که به گونه‌ای اخلاقی رفتار کند و بتواند در برابر هرگونه فشاری که عاداتهای مربوط به منش محکم و استوار زندگی اخلاقی مناسب را تهدید می‌کند، مقاومت کند (بوربا، ۲۰۱۸: ۲۴).

نخستین بار، مایکل بوربا اصطلاح هوش اخلاقی را در علم روانشناسی وارد کرد و آن را توانایی بین انتخاب حق و باطل دانست. او هفت اصل یا فضیلت محوری را برای این هوش بیان کرده که عبارتند از: همدلی، وجدان، کنترل خود، احترام، مهربانی، تحمل و عدالت. او همچنین، همدلی و وجدان و کنترل خود را بنیاد هوش اخلاقی می‌داند؛ زیرا سبب می‌شود انسان توانایی مبارزه با مشکلات و مسائل اخلاقی را داشته باشد (بوربا، ۲۰۰۵: ۶). بر اساس دیدگاه بوربا، هوش اخلاقی توان تشخیص درست از نادرست است؛ یعنی داشتن اعتقادات اخلاقی محکم و عمل کردن بر طبق آنها، به گونه‌ای که شخص رفتاری درست و محترمانه داشته باشد (بوربا، ترجمه فرود، ۱۳۹۳: ۱۷). هوش اخلاقی مفهومی جدید در عرصه تعلیم و تربیت و ظرفیت ذهنی افراد جهت تعیین این نکته مهم است که چگونه باید در زندگی از اصول جهان شمول بشری در ارزشها، اهداف و فعالیتها استفاده کرد. این هوش شامل ابعاد درستکاری، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی و بخشش است. اصل درستکاری بدین معناست که هر وقت فرد با صداقت عمل

می‌کند، رفتار و اعمال او مطابق با اصول اخلاقی است و در چارچوب باورها و اصول اخلاقی خود عمل کرده است. در واقع بدین معنا است که ایجاد هماهنگی بین آنچه که فرد به آن معتقد است و آنچه که به آن عمل می‌کند. انجام آنچه که می‌داند درست است و گفتن حرف راست در تمام زمان‌ها. کسی که هوش اخلاقی بالایی دارد، به شیوه‌ای عمل می‌کند که با اصول و عقایدش سازگار باشد. اصل مسئولیت‌پذیری به معنای پذیرش اعمال و پیامدهای آن و همچنین اشتباهات و شکست‌هاست. اصل دلسوزی به معنای توجه به دیگران بوده و دارای تأثیرات متقابل است و اصل بخشش شامل آگاهی از عیوب و اشتباهات و بخشیدن خود و دیگران است (لینک و کیل، ۲۰۰۵: ۲۰). در روابط اجتماعی گاهی برخوردهای تند یا ظلم و جفاهایی از سوی دیگران پیش می‌آید (عمدی یا سهوی) و بذر دشمنی و نزاع را می‌افشانند، اما گذشت و عفو نمودن، آب سردی بر روی شعله‌های دشمنی و کینه‌توزی است و مایه الفت و دوستی می‌گردد و دشمنی‌های دیرینه را از بین می‌برد (صفی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۳۹).

درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه

دو رویکرد مهم در تدوین محتوای دروس معارف اسلامی به چشم می‌خورد: الف- تلاش برای تنوع بخشیدن به محتوا، به اعتبار رویکردهای مختلف به مباحث و سرفصلهای دروس؛ ب- تلاش در راستای تنوع بخشیدن به متون دروس معارف اسلامی در دانشگاهها متناسب با رشته‌های دانشجویان. هدف متون بخش اول، پاسخ به گرایشهای مختلف فکری و نیازهای علمی دانشجویان و استادان معارف اسلامی و هدف بخش دوم، تدوین متون اختصاصی رشته‌های مختلف است که دروس معارف اسلامی را بیشتر به حیطة کاربردی و مشاغل دانشجویان برده و آنان را برای تصدیق شئون مختلف زندگی از جمله شغل بر مبنای ارزشهای الهی و انسانی مهیا می‌کند (فیروزی، ۱۳۹۴: ۱۵۵). از جمله مصادیق مربوط به ضرورت ارائه دروس معارف اسلامی از منظر اساتید معارف و دانشجویان می‌توان به مواردی از جمله؛ معرفت‌افزایی، آموزش و استحکام بنیادهای فکری و اعتقادی؛ آموزش ارتقاء سبک و سطح زندگی برتر و ارتباط با اساتید معارف و عالمان دینی و الگوگیری از آنان؛ اشاره نمود (دهقانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۹۱). درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه یکی از دروس عمومی و اختیاری دانشگاه به ارزش دو واحد درسی است که به همراه درس تفسیر موضوعی قرآن در شمار دروس اختیاری آشنایی با منابع اسلامی قرار

دارد تا زمینه آشنایی بیش از پیش دانشجویان با نهج البلاغه و معارف بلند و انسان ساز آن را فراهم آورد. دانشجویان باید یکی از دو درس تفسیر موضوعی قرآن یا تفسیر موضوعی نهج البلاغه را به انتخاب خود و در طول دوران تحصیل کارشناسی بگذرانند. از جمله اهداف این درس می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

آشنایی اجمالی با شخصیت امیرالمؤمنین(ع) و کتاب نهج البلاغه و جایگاه آن آشنایی با تعالیم بلند و حکیمانه امیرالمؤمنین(ع)

بررسی موردی و موضوعی برخی از تعالیم نهج البلاغه در قالب حکمت‌ها، خطبه‌ها و نامه‌ها در این خصوص درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه در نیمسال اول تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ تدریس گردید و محتوای درسی ارائه شده به شرح جدول شماره ۱ بوده است.

جدول ۱. محتوای درسی ارائه شده در درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه

جلسه	سرفصل
۱	آشنایی اجمالی با کتاب نهج البلاغه (مؤلف، اعتبار، ساختار، ویژگیها)
۲	نامه ۳۱ (معرفی نامه ۳۱، مقدمه نامه، راههای آبادساختن دل)
۳	نامه ۳۱ (دنیاشناسی، فریب خوردگان دنیا، معیارهای روابط اجتماعی، کلیدهای روابط اجتماعی)
۴	نامه ۳۱ (آداب دعا کردن، شرایط استجابات دعا، حکمت تاخیر در اجابت دعا) نامه ۳۱ (یادمرگ، حیات واقعی، اسباب غفلت از مرگ)
۵	نامه ۵۳ (معرفی نامه ۵۳، اهمیت نامه ۵۳، مقدمه نامه، پایه‌های اصلی حکومت اسلامی)
۶	نامه ۵۳ (ضرورت احسان و محبت به مردم، توجه به همکیشان و هموعان، لزوم گذشت از خطای مردم)
۷	نامه ۵۳ (اوصاف خواص جامعه، وظایف حکومتی و تشکیلاتی، وظایف حاکم در قبال عامه مردم)
۸	نامه ۵۳ (توصیه به مشورت با مشاورین خاص، استفاده از اندیشمندان، معرفی طبقات جامعه)
۹	نامه ۵۳ (ویژگیها و حقوق و تکالیف نیروهای نظامی، ویژگیها و حقوق و تکالیف قضات و کارگزاران اجرایی)
۱۰	نامه ۵۳ (حقوق و تکالیف مالیات دهندگان و مسئولان اداری و تاجران و صنعتگران، حقوق و تکالیف فقرا و مساکین)
۱۱	خطبه ۱۹۳ (معرفی خطبه متقین، بیان مقدمه خطبه، گفتار درست، اعتدال و میانه روی و تواضع، پرهیز از حرام)
۱۲	خطبه ۱۹۳ (توجه به عظمت خالق، کسب علم همراه با حلم، خوف از عقاب و شوق به ثواب، عفت و صبر)
۱۳	خطبه ۱۹۳ (انس با قرآن و عبادت شبانه، خودسازی و پرهیز از خودبزرگ بینی، قوت در دین، اقتدار و نرمی)
۱۴	خطبه ۱۹۳ (طلب حلال، خشوع در عبادت، نشاط در هدایت، شکر و ذکر دائمی، ایمان و یقین، دین محفوظ)
۱۵	خطبه ۱۹۳ (عفو اعطاء، سخن نرم، وقار و شکر، آرامش بخشی و امنیت آفرینی، پرهیز از القاب زشت)
۱۶	خطبه ۱۹۳ (همسایه داری، خنده آرام، حب و بغض درست و به جا، توجه به آسایش دیگران، خودسازی برای آخرت)

پیشینه پژوهش

با توجه اهمیت مبحث هوش اخلاقی؛ تحقیقاتی انجام گرفته است ولی تحقیقاتی که به بررسی اثرگذاری محتوای دروس معارف و یا دروسی که در دانشگاهها تدریس می‌شوند انجام نگرفته است. لذا در این جا به تحقیقات انجام شده‌ای که به نحوی با کلیت این موضوع ارتباط دارند اشاره می‌گردد.

روشن زهی و ناستی زایی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان "تحلیل رابطه بین هوش اخلاقی و تاب آوری دانشجویان با میانجی‌گری سرسختی روانشناختی" چنین نتیجه گرفتند که دانشجویانی که هوش اخلاقی بالایی دارند در برخورد با مسائل و مشکلات تحصیلی سرسختی روانشناختی بهتری را بروز می‌دهند و این سرسختی روانشناختی هم به نوبه خود باعث افزایش تاب آوری آنان در فرایند تحصیل می‌شود.

حسینی القار و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان "نقش هوش اخلاقی و تاب آوری در پیش بینی امنیت روان‌شناختی دانشجویان" چنین نتیجه گرفتند که هوش اخلاقی و تاب آوری از متغیرهای مرتبط با افزایش میزان امنیت روان‌شناختی دانشجویان هستند.

علوی و احمدی شهوه (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه هوش اخلاقی و هوش اجتماعی با خودکارآمدی کارآفرینی" چنین نتیجه گرفتند که هر چه فرد از هوش اخلاقی بالاتری برخوردار باشد و دارای ارتباطات اجتماعی قوی‌تری باشد، بازدهی کارآفرینی بالاتری خواهد داشت.

ترک‌براهویی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان "نقش هوش اخلاقی در پیش بینی جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان" چنین نتیجه گرفتند که بین جهت‌گیری مذهب درونی و هوش اخلاقی دانشجویان رابطه معنادار مثبتی وجود دارد و بین جهت‌گیری مذهب بیرونی و هوش اخلاقی دانشجویان رابطه معنادار منفی وجود دارد. این بدین معنا است که مذهب درونی باعث ایجاد آرامش، امید، انرژی مثبت، بخشایش و همدلی در افراد می‌گردد.

خواجه‌وی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان "رابطه هوش اخلاقی با رفتار حرفه‌ای پرستاران" چنین نتیجه گرفتند که؛ با افزایش هوش اخلاقی، رفتار حرفه‌ای نیز افزایش می‌یابد و افزایش دانش پرستاران در رابطه با هوش اخلاقی، منجر به افزایش رعایت جنبه‌های اخلاقی در مراقبت از بیمار و ارتقای رفتار حرفه‌ای و در نهایت بهبود کیفیت خدمات مراقبتی و رضایت بیماران در مراکز درمانی است.

شاهنده و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان "ارتباط هوش اخلاقی دانشجویان دانشگاه‌های پیام نور خوی و مهاباد با مشخصات جمعیت شناختی آنها با تأکید بر آموزه‌های قرآنی و روان‌شناسی" چنین نتیجه گرفتند که؛ دانشجویان شرکت‌کننده از هوش اخلاقی خوب و مطلوبی برخوردار بودند و در مؤلفه‌های هوش اخلاقی آگاهی و پابندی لازم را داشتند.

مرعشی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان "تأثیر آموزش آموزه‌های دینی (مبتنی بر دعای مکارم الاخلاق) بر هوش اخلاقی دانشجویان" چنین نتیجه گرفتند که؛ آموزش آموزه‌های دینی (مبتنی بر دعای مکارم الاخلاق) تأثیر معناداری بر هوش اخلاقی دارد.

کیخا و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان "تحلیل وضعیت هوش اخلاقی دانشجویان (مورد کاوی: دانشگاه علامه طباطبایی)" چنین نتیجه گرفتند که؛ دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی از هوش اخلاقی در سطح خوب برخوردارند و پرداختن به این مسأله اهمیت زیادی برای دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان دارد. چرا که دانشجویان به عنوان نیروی کار آینده با ابعاد هوش اخلاقی بالا، نقش تأثیرگذاری در ساختن جامعه با اخلاق و سالم ایفا می‌کنند.

بیات ترک و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان "بررسی هوش اخلاقی دانشجویان پزشکی و پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی مشهد و برخی عوامل جمعیت‌شناختی مرتبط با آن" چنین نتیجه گرفتند که؛ نمره هوش اخلاقی دانشجویان سال اول و آخر؛ اختلاف معناداری دارد که نشان‌دهنده این است که برنامه و محیط آموزشی بر تکامل هوش اخلاقی اثر دارد.

یزدانی و آصفی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان "بررسی هوش اخلاقی در دانشجویان سال اول و ششم دندان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران" چنین نتیجه گرفتند که؛ هوش اخلاقی دانشجویان دندانپزشکی، حین تحصیل تغییرات معناداری نداشته که این نتیجه بیانگر عدم تأثیرگذاری سیستم آموزشی بر هوش اخلاقی دانشجویان دندانپزشکی در حین تحصیل است.

علی زاده (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان "ارتباط هوش اخلاقی و هوش هیجانی با رفتار اخلاقی" چنین نتیجه گرفتند که بین مؤلفه‌های هوش اخلاقی با رفتار اخلاقی کارکنان ارتباط معنادار و مستقیمی وجود دارد.

نگاموک (۲۰۱۱) در پژوهشی چنین نتیجه گرفت که؛ مراکز آموزش عالی باید در همه سطوح، ضمن بررسی وضعیت اخلاقی؛ ویژگیهای اخلاقی را به تدریج به دانشجویان آموزش دهند تا دانشجویان بتوانند درست را از غلط تشخیص دهند.

ناروائز (۲۰۱۰) در پژوهشی چنین نتیجه گرفت که؛ هوش اخلاقی با احساسات و عقل گره خورده است و رفتارهای اخلاقی وابسته به احساسات یکپارچه، شهود و استدلال است و اذعان داشت که مهارتهای اخلاقی را می توان با آموزش تقویت و ترویج نمود.

لنیک و کیل (۲۰۰۵) چنین نتیجه گرفتند که؛ آموزش شایستگیهای اخلاقی موجب بالا رفتن هوش اخلاقی می شود.

از جمله نوآوری‌های این پژوهش می توان به؛ بررسی اثربخشی محتوای درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه بر هوش اخلاقی اشاره نمود. از یک طرف درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه از دروس گروه معارف اسلامی (زیر مجموعه آشنایی با منابع اسلامی) می باشد که دانشجویان مخیر هستند یا این درس یا درس تفسیر موضوعی قرآن را در دوران کارشناسی اخذ نمایند و لذا لازم است، بررسی‌های در راستای اثربخش بودن محتوای این درس بر مقوله‌های مربوط به رشد و شکوفایی دانشجویان انجام شود و از طرفی تا کنون تحقیقی در راستای بررسی محتوای دروس گروه معارف اسلامی بر مقوله هوش اخلاقی انجام نگرفته است. لازم به ذکر است یکی از دلایل در خور اهمیت توجه به محتوای دروس گروه معارف اسلامی؛ بخاطر این است که دانشجویان در طی دوران تحصیل در مقطع کارشناسی ملزم به گذراندن آنها می باشند؛ فارغ از رشته تحصیلی و گرایشی که دارند؛ لذا با توجه به آمار بالای مخاطبان این دروس، لازم است پژوهش‌هایی انجام شود و در راستای تدوین محتوای اثربخش‌تر؛ هر چه بیشتر و بهتر گام برداشت .

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، یک تحقیق کاربردی است و از نظر نحوه‌ی جمع‌آوری داده‌ها، در گروه پژوهش‌های شبه‌آزمایشی قرار می‌گیرد. از بین روش‌های شبه‌آزمایشی از طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون با یک گروه استفاده شد. جامعه آماری، شامل دانشجویان دختر مقطع کارشناسی دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان به تعداد سه هزار نفر بودند که در نیمسال اول ۱۴۰۲-۱۴۰۱ مشغول به تحصیل بودند. شیوه نمونه‌گیری متناسب با روش تحقیق این مطالعه (شبه‌آزمایشی)، هدفمند و در دسترس بوده است، یعنی دانشجویانی که در کلاس درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه شرکت داشته‌اند، نمونه منتخب این پژوهش را تشکیل دادند. حجم نمونه با توجه به فرمول کوهن (با ۰/۰۵ = خطای نوع اول، ۰/۹۵ = توان آزمون و ۰/۶ = اندازه اثر) ۳۹ نفر انتخاب گردیدند (کوهن، ۲۰۱۳: ۵۰) و به پرسشنامه هوش اخلاقی پاسخ دادند. بعد از ۱۶ جلسه آموزش محتوای درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه؛ مجدداً این دانشجویان به پرسشنامه هوش اخلاقی پاسخ دادند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا با استفاده از شاخص‌های گرایش به مرکز و پراکندگی (میانگین و انحراف معیار)، توصیفی از نمره‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون هوش اخلاقی (درستکاری، مسئولیت‌پذیری، بخشش و دلسوزی) دانشجویان قبل و بعد از ۱۶ جلسه آموزش درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه ارائه شده است. سپس برای مقایسه هوش اخلاقی دانشجویان قبل و بعد از آموزش درس مذکور، از آزمون t زوجی استفاده شد. همچنین تمام محاسبات با نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ انجام شد.

جهت ارزیابی شاخص هوش اخلاقی از پرسشنامه هوش اخلاقی لیکرت و کیل استفاده شد. این پرسشنامه از ۴۰ عبارت تشکیل شده است که آزمودنی باید در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از؛ در همه‌ی مواقع پنج امتیاز، در بیشتر مواقع چهار امتیاز، بعضی اوقات سه امتیاز، به ندرت دو امتیاز و هرگز یک امتیاز؛ میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر یک از آنها اعلام نماید. سؤالات آزمون برای بررسی مؤلفه‌ها بدین صورت می‌باشند: درستکاری (۱، ۲، ۳، ۴، ۱۲، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴)، مسئولیت‌پذیری (۵، ۶، ۷، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۵، ۳۶، ۳۷)، بخشش (۹، ۱۰، ۱۹، ۲۰، ۲۹، ۳۰، ۳۹، ۴۰) همدلی (۸، ۱۸، ۲۸، ۳۸). در این پرسشنامه، هر پاسخ

دهنده در مجموع امتیازی بین حداقل ۴۰ و حداکثر ۲۰۰ کسب می‌کند که با تقسیم آنها بر ۲، امتیاز نهایی هوش اخلاقی وی؛ بین ۲۰ تا ۱۰۰ خواهد بود. در نهایت امتیاز بین ۹۰ تا ۱۰۰ عالی؛ ۸۰ تا ۸۹ خیلی خوب و ۷۰ تا ۷۹ خوب و کمتر از آن ضعیف است. (طالبی قادیکلانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۱). روایی صوری و محتوایی و هماهنگی درونی مؤلفه های آن توسط متخصصان مورد تأیید قرار گرفته است (لنیک و کیل، ۲۰۰۵). پایایی مقیاس هوش اخلاقی با استفاده از ضریب الفای کرونباخ ۰٫۹۵، (طالبی قادیکلانی و همکاران، ۱۴۰۱) و توسط بیات ترک و همکاران (۱۳۹۷) ۰٫۹۳۸، برآورد گردید. پایایی این پرسشنامه در این پژوهش با استفاده از روش آلفای کرونباخ مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت، به طوری که مقدار ضریب آلفا برای مقیاس هوش اخلاقی ۰٫۹۰ و برای خرده مقیاس های درستکاری ۰٫۸۶، مسئولیت پذیری ۰٫۶۹، بخشش ۰٫۴۹ و دلسوزی ۰٫۵۱ محاسبه گردید که بیانگر پایایی مناسب پرسشنامه است.

فرضیه های پژوهش

پژوهش حاضر در راستای بررسی فرضیه های زیر می باشد:

- فرضیه اول: بین میانگین نمرات شاخص هوش اخلاقی دانشجویان، قبل و بعد از آموزش تفاوت معناداری وجود دارد .
- فرضیه دوم: بین میانگین نمرات خرده مقیاس درستکاری قبل از آموزش و بعد از آموزش تفاوت معناداری وجود دارد .
- فرضیه سوم: بین میانگین نمرات خرده مقیاس مسئولیت پذیری قبل از آموزش و بعد از آموزش تفاوت معناداری وجود دارد .
- فرضیه چهارم: بین میانگین نمرات خرده مقیاس بخشش قبل از آموزش و بعد از آموزش تفاوت معناداری وجود دارد .
- فرضیه پنجم: بین میانگین نمرات خرده مقیاس دلسوزی قبل از آموزش و بعد از آموزش تفاوت معناداری وجود دارد .

یافته های پژوهش

در جدول ۲، میانگین و انحراف معیار نمره های پیش آزمون و پس آزمون هوش اخلاقی و زیر مقیاس های درستکاری، مسئولیت پذیری، بخشش و دلسوزی، مشاهده می گردد.

فرضیه اول تحقیق این بود که: بین هوش اخلاقی قبل و بعد از آموزش درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه تفاوت معناداری وجود دارد. مطابق داده های جدول ۲، تأثیر آموزش محتوای درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه بر شاخص هوش اخلاقی به طور معناداری بزرگتر نبوده است و بین هوش اخلاقی قبل و بعد از آموزش درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه تفاوت معناداری وجود ندارد و این فرضیه تایید نشد.

فرضیه دوم تحقیق این بود که: بین خرده مقیاس درستکاری قبل و بعد از آموزش درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه تفاوت معناداری وجود دارد. مطابق داده های جدول ۲، تأثیر آموزش محتوای درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه بر خرده مقیاس درستکاری به طور معناداری بزرگتر نبوده است و بین خرده مقیاس درستکاری قبل و بعد از آموزش درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه تفاوت معناداری وجود ندارد و این فرضیه تایید نشد.

فرضیه سوم تحقیق این بود که: بین خرده مقیاس مسئولیت پذیری قبل و بعد از آموزش درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه تفاوت معناداری وجود دارد. مطابق داده های جدول ۲، تأثیر آموزش محتوای درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه بر خرده مقیاس مسئولیت پذیری به طور معناداری بزرگتر نبوده است و بین خرده مقیاس مسئولیت پذیری قبل و بعد از آموزش درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه تفاوت معناداری وجود ندارد و این فرضیه تایید نشد.

فرضیه چهارم تحقیق این بود که: بین خرده مقیاس بخشش قبل و بعد از آموزش درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه تفاوت معناداری وجود دارد. مطابق داده های جدول ۲، تأثیر آموزش محتوای درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه بر خرده مقیاس بخشش به طور معناداری بزرگتر نبوده است و بین خرده مقیاس بخشش قبل و بعد از آموزش درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه تفاوت معناداری وجود ندارد و این فرضیه تایید نشد.

فرضیه پنجم تحقیق این بود که: بین خرده مقیاس دلسوزی قبل و بعد از آموزش درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه تفاوت معناداری وجود دارد. مطابق داده های جدول ۲، تأثیر آموزش محتوای درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه بر خرده مقیاس دلسوزی به طور معناداری بزرگتر نبوده است و بین خرده مقیاس دلسوزی قبل و بعد از آموزش درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه تفاوت معناداری وجود ندارد و این فرضیه تایید نشد.

در جدول ۲، شاخص های آماری مربوط به نمره های پیش آزمون و پس آزمون هوش اخلاقی و زیر مقیاس های آن مشاهده می گردد.

جدول ۲. آزمون t زوجی برای مقایسه میانگین هوش اخلاقی و خرده مقیاس های آن قبل و بعد از آموزش درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه؟؟؟؟

P	درجه آزادی	t	خطای معیار	اختلاف میانگین	بعد از آموزش		قبل از آموزش		متغیر
					انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۱۵۹	۳۸	-۱/۴۳۸	۰/۷۴۹	-۱/۰۸	۸/۲۹	۷۷/۴۶	۷/۶۶	۷۶/۳۸	هوش اخلاقی
۰/۰۶۲	۳۸	-۱/۹۲۴	۰/۴۶۰	-۰/۸۸	۳/۴۹	۳۲/۱۰	۳/۸۱	۳۱/۲۲	درستکاری
۰/۵۴۵	۳۸	۰/۶۱۲	۰/۲۷۳	-۰/۱۷	۲/۸۹	۲۲/۴۴	۲/۵۹	۲۲/۶۰	مسئولیت پذیری
۰/۳۹۵	۳۸	-۰/۸۶۲	۰/۲۸۳	-۰/۲۴	۲/۰۸	۱۴/۸۶	۱/۷۳	۱۴/۶۲	بخشش
۰/۳۹۶	۳۸	-۰/۸۵۸	۰/۱۳۴	-۰/۱۱	۱/۱۷	۸/۰۶	۱/۱۶	۷/۹۵	دلسوزی

نتیجه گیری و پیشنهادها

مقوله اخلاق و مؤلفه های مربوط به آن و ترویج و نهادینه نمودن آن، همواره مورد توجه عوامل و دست اندرکاران حوزه تعلیم و تربیت بوده است. انتقال و ترویج ارزشهای اخلاقی در کنار مسائل علمی و آموزشی از رسالتهای مهم مراکز آموزشی بوده و می باشد. از آنجایی که مقوله هوش اخلاقی یکی از کلیدهای موفقیت بر روی عوامل مختلفی از جمله؛ شکل گیری کارهای تیمی و افزایش بهره وری (زدنک و اسکوچور، ۲۰۰۷: ۵۱۳)، افزایش تعهد و مسئولیت پذیری و بهبود کارآیی فردی و گروهی (فلیت و هارمان، ۲۰۱۳: ۶) می باشد و بر این نکته تأکید دارد که اصول اخلاقی حاصل وراثت نیستند بلکه افراد یاد می گیرند که چگونه خوب باشند، لازم است ساز و کارهایی جهت تقویت و نهادینه شدن هوش اخلاقی در نظر گرفت. به نظر

می‌رسد به کمک برنامه‌ریزی‌های جامع و استفاده کاربردی از آموزش‌های مؤثر بتوان گام مثبتی در جهت ارتقای هوش اخلاقی جامعه برداشت. این مطالعه با هدف بررسی رابطه بین آموزش محتوای درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه و هوش اخلاقی دانشجویان دختر دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان انجام شده است.

یافته‌های تحقیق در بررسی فرضیه اول نشان می‌دهد که بین میانگین نمرات شاخص هوش اخلاقی قبل از آموزش و بعد از آموزش تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین فرضیه اصلی پژوهش تأیید نشد. این یافته‌ها نشان دهنده‌ی عدم تأثیر معنادار آموزش محتوای درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه طبق جدول شماره ۲؛ بر هوش اخلاقی دانشجویان می‌باشد. نتایج این فرضیه با پژوهش مرعشی و همکاران (۱۳۹۸)، بیات ترک و همکاران (۱۳۹۷)، لینک و کیل (۲۰۰۵) ناهمسو بود و با پژوهش یزدانی و آصفی (۱۳۹۷) همسو بود.

یافته‌های پژوهش در بررسی فرضیه دوم نشان داد که بین میانگین نمرات خرده مقیاس درستکاری قبل از آموزش و بعد از آموزش تفاوت معناداری وجود ندارد بنابراین فرضیه دوم پژوهش تأیید نشد. بدین معنا که آموزش محتوای مربوط به درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه طبق جدول شماره ۲؛ برای تقویت باورهای دانشجویان در زمینه‌های تبیین اصول، ارزشها و باورها به طور شفاف، بیان حقایق، مخالفت با کسی که کار نادرستی انجام می‌دهد و تطبیق تصمیمات با اصول و ارزشها و باورها؛ مؤثر واقع نشده است.

یافته‌های پژوهش در بررسی فرضیه سوم نشان داد که بین میانگین نمرات خرده مقیاس مسئولیت‌پذیری قبل از آموزش و بعد از آموزش تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین فرضیه سوم پژوهش تأیید نشد. این یافته‌ها نشان دهنده‌ی عدم تأثیر معنادار آموزش محتوای درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه بر مسئولیت‌پذیری دانشجویان می‌باشد و مبین این امر است که آموزش مذکور در حوزه اعتراف به تصمیمات اشتباه، پذیرش مسئولیت شکست‌ها و اشتباهات و پیامدهای آنها، برای دانشجویان مؤثر واقع نشده است.

یافته‌های پژوهش در بررسی فرضیه چهارم نشان داد که بین میانگین نمرات خرده مقیاس بخشش قبل از آموزش و بعد از آموزش تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین فرضیه چهارم پژوهش تأیید نشد. این یافته‌ها نشان دهنده‌ی عدم تأثیر معنادار آموزش محتوای درس تفسیر

موضوعی نهج البلاغه بر خرده مقیاس بخشش دانشجویان می‌باشد و مبین این امر است که آموزش مذکور در حوزه بخشش و فراموش کردن خطای دیگران و ایجاد نگرش واقع بینانه نسبت به اشتباهات و شکست‌های دیگران، مؤثر واقع نشده است.

یافته‌های پژوهش در بررسی فرضیه پنجم نشان داد که بین میانگین نمرات خرده مقیاس دلسوزی قبل از آموزش و بعد از آموزش تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین فرضیه پنجم پژوهش تأیید نشد. این یافته‌ها نشان دهنده‌ی عدم تأثیر معنادار آموزش محتوای درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه بر خرده مقیاس دلسوزی دانشجویان می‌باشد و مبین این امر است که آموزش مذکور در حوزه علاقمندی به افراد بدون چشم داشت، نشان دادن ارادت خالصانه به افراد و حمایت از تلاش‌های همکلاسی‌هایشان برای دستیابی به اهدافشان، مؤثر واقع نشده است.

۱. پیشنهادهای برگرفته از نتایج تحقیق

۱- با توجه به اینکه محتوای درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه باعث رشد و توسعه هوش اخلاقی و خرده مقیاس‌های آن نشده است، پیشنهاد می‌شود که در راستای تدوین محتوای غنی‌تر تلاش شود.

۲- در بین خرده مقیاس‌های هوش اخلاقی؛ پس از آموزش محتوای مذکور در ۱۶ جلسه، خرده مقیاس درستکاری وزن بیشتری را به خود اختصاص داده است. مفهوم درستکاری در هوش اخلاقی بدین معنا است که شخصی که با صداقت عمل می‌کند رفتار و اعمال او نیز مطابق با اصول جهانشمول بشری است و می‌داند که کدام عمل صحیح و درست است، چه کاری باید انجام دهد و در چارچوب باورها و اصول اخلاقی خود زندگی کند. لذا جای امیدواری است که این صفت در بین جامعه هدف ارزشمند است و بیش از سایر مؤلفه‌ها به آن پایبند می‌باشند.

۳- پیشنهاد می‌گردد تحقیقی مشابه در جامعه پسران انجام شود تا تأثیرات آموزش محتوای این درس در هر دو جنس مورد بررسی قرار گرفته باشد.

۲. پیشنهادهای برگرفته از تجربه نویسندگان

۱- برگزاری جلسات آموزشی به صورت کارگاهی برای اساتید دروس معارف در خصوص اهمیت هوش اخلاقی جهت تبیین این مقوله برای آنها جهت انتقال محتوای مرتبط با این موضوع به دانشجویان.

- ۲- گردهمایی استانی اساتید حوزه تدریس درس تفسیر موضوعی نهج البلاغه جهت تبادل نظر و پیشنهادات سازنده در خصوص انتخاب محتوای کاربردی تر و مفیدتر.
- ۳- لازم است تحقیقات مشابهی در سایر دانشگاه‌ها انجام شود، تا بتوان صحیح‌تر و دقیق‌تر به بررسی تأثیر یا عدم تأثیر محتوای این درس بر خرده مقیاسهای هوش اخلاقی، پرداخت.

قدردانی

از کلیه دانشجویانی (دانشجویان دختر دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان) که در این پژوهش شرکت داشتند و محققان را در انجام این تحقیق یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌شود.

فهرست منابع

- بوربا، میشل، (۱۳۹۳)، کلیدهای پرورش هوش اخلاقی کودکان (ترجمه فرناز فرود)، چاپ سوم، تهران: انتشارات صابرین.
- بیات ترک، رضا، علیخواه، آلمانا، علی تته، فاطمه، مصطفویان، زهرا و فرج پور، آرزو، (۱۳۹۷)، بررسی هوش اخلاقی دانشجویان پزشکی و پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی مشهد و برخی عوامل جمعیت شناختی مرتبط با آن، فصلنامه اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره ۱۱، صص ۳۵۳-۳۶۴.
- ترک براهویی، یوسف، عرب، علی و نیک منش، زهرا (۱۳۹۹)، نقش هوش اخلاقی در پیش بینی جهت گیری مذهبی در دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان، مجله مطالعات روانشناسی تربیتی، دوره ۱۷، شماره ۴۰، صص ۱-۱۹.
- حسنی القار، مسعود، نجفی لاهیجانی، محمد مهدی و خیامی آبی، حمزه (۱۴۰۲)، نقش هوش اخلاقی و تاب آوری در پیش بینی امنیت روانشناختی دانشجویان، مجله اخلاق زیستی، دوره سیزدهم، شماره سی و هشتم، صص ۱-۱۱.
- حسین چاری، مسعود و ذاکری، حمیدرضا (۱۳۸۹)، تأثیر زمینه های تحصیلی دانشگاهی، علوم دینی و هنری بر هوش معنوی کوششی در راستای روان سازی و پایایی سنجی مقیاس هوش معنوی، نشریه اندازه گیری تربیتی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۷۳-۹۳.
- خالقی، نرگس و چناری، مهین (۱۳۹۴)، رابطه هوش اخلاقی با نوع دوستی، نشریه اخلاق در علوم و فناوری، ۱۰(۴)، صص ۵۵-۶۴.

خواجه‌سوی، زهره، واعظ زاده، نازنین، موسوی نسب، سید نورالدین و عظیمی لولتی، حمیده (۱۳۹۹)، رابطه هوش اخلاقی با رفتار حرفه ای پرستاران، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دوره سی ام، شماره ۱۸۵، صص ۸۶-۹۵.

دهقانی، علی اصغر، نصر اصفهانی، احمد رضا و مشکات، عبدالرسول (۱۴۰۲)، بررسی ضرورت ارائه دروس معارف اسلامی در مقطع کارشناسی دانشگاهها، نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۱(۵۹)، صص ۹۱-۱۱۸.

روشن زهی، ساناز و ناستی زایی، ناصر (۱۴۰۱)، تحلیل رابطه بین هوش اخلاقی و تاب آوری دانشجویان با میانجی گری سرسختی روانشناختی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال هفدهم، شماره ۱، صص ۱۵۲-۱۶۱.

صفی نژاد، فاطمه، کامیاب، حسین و کهنوجی، مرضیه (۱۴۰۲)، واکاوی آداب تربیت فرهنگی در نهج البلاغه (مطالعه موردی حوزه اخلاقیات)، نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۶۰(۳۱)، صص ۳۱۹-۳۴۸. طالبی قادیکلانی، حسن، هادی نژاد، زویا، حسین نتاج، ابوالفضل، حسینی، سیده لیلا و یعقوبی، طاهره (۱۴۰۱)، ارتباط هوش اخلاقی با فرسودگی شغلی در کارکنان اورژانس پیش بیمارستانی مازندران طی پاندمی کووید ۱۹، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دوره سی و دوم، شماره ۲۱۲، صص ۸۷-۹۶. شاهنده، آمنه، عبدالجباری، مرتضی، علیانسیب، سید ضیال‌الدین و رحمانی، رضا (۱۳۹۸)، ارتباط هوش اخلاقی دانشجویان دانشگاههای پیام نور خوی و مهاباد با مشخصات جمعیت شناختی آنها با تأکید بر آموزه های قرآنی و روان شناسی، مجله پژوهش در دین و سلامت، سال پنجم، دوره سوم، صص ۳۳-۷۲. عرشی ها، مرجان السادات، لایق، خزر، نوغانی، فاطمه، صدقی گوی آقاج، ناصر و تقوی لاریجانی، ترانه (۱۳۹۵)، بررسی ارتباط بین هوش اخلاقی و مهارتهای ارتباطی در دانشجویان پرستاری، نشریه اخلاق و تاریخ پزشکی ایران، ۹(۳)، صص ۴۴-۵۴.

علی اکبری دهکردی، مهناز (۱۳۹۴)، روان شناسی رشد (نظریه ها، پژوهش ها و آزمون ها)، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

علی زاده، زهرا (۱۳۹۷)، ارتباط هوش اخلاقی و هوش هیجانی با رفتار اخلاقی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال سیزدهم، شماره ۲، صص ۱۶۷-۱۷۴.

علوی، سید احسان و احمدی شهوه، معصومه (۱۴۰۱)، بررسی رابطه هوش اخلاقی و هوش اجتماعی با خودکارآمدی کارآفرینی، فصلنامه مطالعات نوین کاربردی در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، سال پنجم، شماره ۳، صص ۳۴-۴۶.

فیروزی، رضا (۱۳۹۴)، آسیب شناسی دروس و جایگاه استادان معارف اسلامی با توجه به دیدگاههای دانشجویان علوم پزشکی ارومیه در دوره های دکترای حرفه ای، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۶۳(۲)، صص ۱۵۱-۱۷۲.

- کیخا، احمد، حاجی علیا، نیره، محمدی مهر، مژگان، دارابی، فاطمه و خوشناوند، محسن (۱۳۹۸)، تحلیل وضعیت هوش اخلاقی دانشجویان (مورد کاوی): دانشگاه علامه طباطبایی، نشریه نما، ۷(۱)، صص ۴۳-۵۳.
- مجدالدین، طاهره، میردامادی، سیدمحمد و سرمدی، محمدرضا (۱۴۰۲)، طراحی الگوی رشد اخلاقی دانش‌آموزان در چارچوب فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۶۰(۳۱)، صص ۱۸۱-۲۰۲.
- مرعشی، سید علی، نقی ترابی، فریبا، بساک نژاد، سودابه و بشلیده، کیومرث (۱۳۹۸)، تأثیر آموزش آموزه های دینی (مبتنی بر دعای مکارم الاخلاق) بر هوش اخلاقی دانشجویان، فصلنامه روانشناسی و دین، سال دوازدهم، شماره دوم، پیاپی ۴۶، صص ۲۳-۳۶.
- یزدانی، رضا و آصفی، مجتبی (۱۳۹۷)، بررسی هوش اخلاقی در دانشجویان سال اول و ششم دندان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، نشریه اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره یازدهم، صص ۱۶۵-۱۷۵.
- یعقوبی، ابوالقاسم، عروتی موفق، اکبر و دلفان بیرانوند، آرزو (۱۳۹۸)، مبنا و ابعاد هوش اخلاقی براساس فرهنگ نهج البلاغه: یک بررسی تطبیقی، پژوهشنامه نهج البلاغه، ۷(۲۸)، صص ۱-۲۱.
- Bao Z, Zhang W, Lai X, Sun W & Wang Y. (2015). Parental attachment and Chinese adolescents' delinquency: The mediating role of moral disengagement. *Journal of Adolescence*, 11(4):37-47.
- Batstone D. (2003). *Saving the Corporate Soul: Combining Corporate Integrity with the Bottom Line*. United States: Wharton School Publishing.
- Borba M. (2018). Nine Competencies for Teaching Empathy. *Journal of Educational Leadership*, 76(2):22-28.
- Borba, M. (2005). *The step by step plan to building moral intelligence, nurturing kids' hearts & souls*. San Francisco: National Educator Awards, National Council of Self Steam.
- Cohen, J. (2013). *Statistical power analysis for the behavioral sciences*. Routledge, <https://doi.org/10.4324/9780203771587>
- Flite CA & Harman LB. (2013). Code of Ethics: Principles for Ethical Leadership. *Journal of Perspectives in Health Information Management*, 10, Pp1-11.
- Gini G, Pozzoli T & Hymel S. (2014). Moral disengagement among children and youth: A Meta analytic review of links to aggressive behavior. *Journal of Aggressive Behavior*, 40(1): 56-68.
- Lennick D, Kiel F. (2005). *Moral intelligence the key to enhancing business Performance and leader ship success*. USA: Wharton School Publishing.

- Liu, AMM, Fellows, R & Jess, Ng. (2012). "Surveyors Perspectives on Ethics in Organizational Culture Journal of Engineering, construction, and architectural management \1\ (6). Pp438-449.
- Narvaez, D. (2010). (The Emotional Foundations of High Moral Intelligence. Journal of New Directions for Child and Adolescent Development. No 10(129), Pp77-94.
- Ngammuk, P. (2011). A Study of 8 Fundamental Moral Characteristics among Thai Undergraduate Students, Hawaii International Conference of Education 9 th Annual Conference. Pp 4-7.
- Wimalasiri, JS. (2001). Moral Reasoning Capacity of Management Students and Practitioners: An Empirical Study in Australia. Journal of Managerial Psychology \6\ (8):614-634.
- Zdenek, B & Schochor, D. (2007). Developing moral literacy in the classroom. Journal Of Educational Administration. Vol 45, No4. Pp514-532.

